

# قصاص کارگر افغانستانی ، مجازات قتل دختر ایرانی

کارگر افغانستانی که به خاطر 28 میلیون تومان دختر مورد علاقه اش را به قتل رسانده پس از محاکمه به **قصاص** محکوم شد. پاییز سال ۹۶ با کشف جسد خونین دختری جوان در یک ساختمان نیمه کاره در شهری پرونده جنایی تشکیل شد و جسد ناشناس به پزشکی قانونی انتقال یافت.

دو روز از این ماجرا گذشته بود که خانواده‌ای به پلیس آگاهی مراجعه کردند و از ناپدید شدن دخترشان خبر دادند وقتی پلیس آنها را به سردخانه پزشکی قانونی فرستاد تا جسد ناشناس را مشاهده کنند بلافاصله دخترشان را شناسایی کردند. اما نمی‌دانستند چرا وی به چنین سرنوشتی دچار شده است.

در ادامه پلیس با بررسی تماس‌های تلفنی دختر جوان به رابطه وی با یک مرد افغانستانی به نام نعیم پی برد. کارآگاهان دریافتند او کارگر ساختمانی بوده اما به طرز مرموزی ناپدید شده است. به این ترتیب فرضیه جنایت از سوی وی قوت گرفت و یک هفته بعد در حالی که قصد خروج مخفیانه از کشور را داشت دستگیر شد.

متهم به قتل اعتراف کرد و در تشریح جزئیات ماجرا گفت: حدود ۸ ماه قبل با این دختر در خیابان آشنا شدم. همان موقع به او گفتم افغانستانی هستم و در یک ساختمان کارگری می‌کنم او هم قبول کرد با من دوست شود. در این مدت حدود ۲۸ میلیون تومان به بهانه‌های مختلف از من پول گرفت. چون قرار بود به خواستگاری اش بروم و با هم ازدواج کنیم من به او پول می‌دادم اما چند هفته قبل از این حادثه او یکبار از ازدواج با من منصرف شد. یک روز به من گفت خودش کار مناسبی پیدا کرده و ماهانه دو میلیون تومان حقوق دارد. به همین خاطر دیگر نیازی به ازدواج با من ندارد. از حرف‌هایش خیلی ناراحت شدم هرچه اصرار کردم و گفتم من عاشقت هستم اجازه بده با هم ازدواج کنیم قبول نکرد.

تا اینکه یک روز او را به ساختمان نیمه‌سازی که در آنجا کار می‌کردم کشاندم و به او گفتم اگر مرا نمی‌خواهی باید 28 میلیون تومانی را که به تو داده‌ام برگردانی وگرنه تو را می‌کشم. اما او با خونسردی گفت هر کاری می‌خواهی انجام بده من نه پول می‌دهم نه با تو ازدواج می‌کنم. رفتارهای سرد و بی‌تفاوتش باعث شد کنترل اعصابم

را از دست بدهم و با چاقو به جانش بیفتم. من چند ضربه چاقو به او زدم ولی وقتی غرق خون روی زمین افتاد پشیمان شدم. بعد هم از ترس وسایلم را جمع و فرار کردم. من قصد داشتم به افغانستان برگردم که دستگیر شدم.

بدین ترتیب با اعترافات متهم وی به دادگاه کیفری رفت تا محاکمه شود. در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. سپس نعیم به دفاع پرداخت و اظهارات قبلش را تکرار کرد. وی گفت: من عاشق او بودم و می‌خواستم ازدواج کنم. اما او کاری کرد که کنترل اعصابم را از دست دادم و با چاقو به جانش افتادم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و متهم را به قصاص محکوم کردند.